

فشرده گزارش ، ضرورت مبرم ایجاد

حزب کمونست واقعی

(مارکسیست - لینینست - ماویست)

افغانستان

جنبش کمونستی (م.ل.م) واقعی افغانستان کوشیده است تا به منظور رهبری و پیروزی انقلاب دیموکراسی نوین برای نیل به سوسیالیسم و کمونسم جهانی اولین اسلحه معجزه اسای انقلاب یعنی حزب کمونست واقعی (م.ل.م) افغانستان را ایجاد نماید و درین راه افت و خیز های زیادی را تحمل شده است. این رسالت تاریخی جنبش یگانه وسیله رهبری کننده انقلاب بخاطر برانداختن ستم و استثمار امپریالیسم جهانی و مزدوران فئودال کمپرادور آنان برای رهایی خلق های ستم دیده کشور بوده و یک پدیده جهان شمول میباشد.

تحولات چشم گیر و سازنده تاریخ جنبش کمونستی کشور، تبارزات شفاف را در مرحله نشان داد که از یک طرف محفل جوانان مترقی با ارایه اسناد (زنده باد مارکسیسم - لینینسم - اندیشه ماوتسه دون) (مرگ بر رویونیسم و مرگ بر دولت ایتلافی، زنده باد جنگ تودیی طولانی) سلب اعتماد خود را از کمیته مرکزی منتخب "کنفرانس سر تا سری برج قوس ۱۳۶۲" ساما اعلام نموده و با اتخاذ مواضع اصولی ایدیولوژیک سیاسی و گسست اصولی از خط انحرافی ان پایه عرصه وجود گذاشت. هم چنان (مبارزین راه ازادی مردم افغانستان) که از "جناح انقلابی" ساما برش ایدیولوژیک سیاسی نموده بود به نشر (سند اعلامیه) بر مبنای (م.ل.ا) عملا از جناح برید و موقف اصولی را در جنبش اتخاذ کرد. (سازمان پیکار برای نجات افغانستان که بعد از ضربات سنگین دولت مزدور سوسیال امپریالیسم روس، یعنی باند جنایت پیتسه خلق و پرچم در سال های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ از هم پاشیده بود بعد از کنفرانس سر تا سری سازمان در برج اسد سال ۱۳۶۳ با وجود داشتن یک سلسله کمبودها و مشکلات درونی مواضع اصولی (م.ل.ا) را توسط سند ارگان نشراتی، رستا خیز شماره اول دور دوم با وسعت قابل ملاحظه در جنبش ارایه داشت.

سه جناح (م.ل.ا) واقعی زمانی بخاطر وحدت در جنبش سر بلند کردند که از یک طرف امپریالیسم روس از جانب دیگر امپریالیسم غرب تحت رهبری امریکا توسط نیروی های تنظیمی ارتجاعی "جهادی" دزد و جنایت کار و ملیشه های خون اشام، این مزدوران سرسپرده فئودال کمپرادور در کشور ما بیداد میکردند. این جنایت کاران تحت حمایت مستقیم امپریالیست های جهانی جنگ داخلی ارتجاعی را در کشور برافروخته و بز مردم ستم دیده ما انقدر ستم روا داشتند که ده ها هزار افراد بیگناه همشهریان کابل و ولایات را بقتل رسانده، خانه ها را غارت و ویران نموده و در حدود هزار ها خانواده های ستم دیده کشور به خاطر سلامتی جان های شیرین خود ترک دیار کردند و به کشورهای همسایه پناگزیین شدند. این اوضاع غم انگیز و مرگبار، یکبار دیگر جنبش کمونستی کشور را بیش از پیش بوحدت طلبیده که در نتیجه، همین سه جناح (م.ل.م) بر شا لوده یک برنامه مشترک ایدیولوژیک سیاسی بعد از سپری نمودن پروسه طولانی (وحدت - مبارزه وحدت)، در سال ۱۳۶۳ (کمیته وحدت جنبش کمونستی (م.ل.م) افغانستان) را به منظور ایجاد حزب کمونست واقعی ایجاد کردند. (کمیته وحدت...) به تعقیب ایجادش تحت تاثیر جنبش انقلابی جهانی سند (مارکسیسم - لینینسم - ماویسم) را به غرض (مارکسیسم - لینینسم - اندیشه ماوتسه دون) طی نشست تاریخی برج میزان سال ۱۳۶۳ بحیث علم انقلاب امروز پدیدار شد.

چرا (کمیته وحدت...) به منظور ایجاد حزب کمونست واقعی به سرعت گامی به پیش گذاشت؟

این بخاطری بود که "حزب کمونست موجود" در افغانستان که از دو جناح خیر متجانس "بخش ماوتسه دون اندیشه" املائی سنتریست و هسته "ساما غرستان" به وجود آمده بود بنا بر یک سلسله مشکلات ایدیولوژیک سیاسی که در طول پروسه ایجادش و بعدا در مرانامه حزب انعکاس یافت نتوانست اصالت پرولتری یک حزب کمونست واقعی کشور را در تیوری و پراتیک انقلابی به اثبات رساند. این مشکل و خلای تیوریک و پراتیک "حزب" را (سازمان پیکار...) در وقت و زمانش به نقد کشیده و نقاط عمده انرا در رستاخیز شماره اول دور دوم منتشره ۱۳۶۳ خود برجسته ساخت. نقاط اساسی و عمده نقد شده در (کمیته وحدت...) نیز بعد از جر و بحث های طولانی

مورد تایید قرار گرفت که تقضیل آن درین محدوده گذارش گنجایش ندارد، ولی یادآور باید شد که قسمت عمده ازین مسایل نقد شده، در بخش (جنبش کمونستی کشور) برنامه تسویدی حزب کمونست واقعی گنجانیده شده که رفقا حین بحث بروی برنامه بر این موضوع بر خورد خواهند کرد.

وقتی که مرامنامه تیوریک "حزب کمونست" در سال ۱۳۴۳ به نقد گرفته شد این آغاز پروسه مبارزه ایدیولوژیک سیاسی با این "حزب" بود. مگر حزب این نقد اصولی را تحمل کرده نتوانست، خود را یکه تاز جنبش دانسته و انتقام جویانه بر مسله برخورد کرد، به شکل گرایید تا مضمون ایدیولوژیک سیاسی و به قهر و غضب با سازمان پیکار و بعد با (کمیته وحدت...) مقاطعه نمود. در نتیجه این مقاطعه پروسه اصل (وحدت، مبارزه، وحدت) صدمه دید و پروسه مبارزاتی آغاز شده به انتاگونیسیم کشانده شده با کنار رفتن "حزب" از پروسه مبارزاتی، (کمیته وحدت...) مجبور و مکلف شد که پروسه ایجاد حزب کمونست واقعی را هر چه بیشتر سرعت بخشد و همان بود که بخشی از برنامه یعنی (پیشینه تاریخی کشور را ذریعه کمیسیون منتخب تسوید و بدسترس اعضا (کمیته وحدت...) قرار داد. ولی به نسبت یک سلسله عوامل باز دارنده در وجود یک عده از اعضا کمیسیون که عاملین اصلی غلبه پاسفیسیم در تدوین برنامه بودند، این کمیسیون نتوانست کار تسویدی را به همان سرعت اولیش ادامه دهد. این عاملین کسانی بودند که بعد از پروسه (وحدت، مبارزه، وحدت) کنار رفته و با تقض این اصل مبارزاتی مستقلانه و متفر دانه به "حزب پیوستند.

هدف از ایجاد حزب کمونست واقعی چیست؟ ایجاد حزب کمونست انقلابی نوینی است که منحصیث بدیل "حزب کمونست موجود" که بنا بر تشنجات و انحرافات ایدیولوژیک سیاسی درون حزبی که در جنبش کمونستی کشور نیز انعکاس یافته است، از هم پاشیده و خصلت حزب کمونست انقلابی را کاملاً از دست داده است عرض اندام میکند.

حزب کمونست انقلابی نوین، حزب واقعی است که سایر جناح های جنبش کمونستی کشور را بدوریک برنامه کمونستی (م.ل.م) مشترک و نوین جمع و در کنگره موسس بعد از یک مبارزه ایدیولوژیک سیاسی حاد ایجاد میگردد. این نیاز مبرم جنبش برای ایجاد حزب کمونست واقعی زمانی به شدت خود افزود که در اوضاع فعلی امپریالیسم جهانی متحد ادریک تباری وسیع تحت رهبری امپریالیسم یانکی جهانخواهر کشور تجاوز کرده و بر مردم ستم دیده ما از هیچگونه بیدادگری و ستم مضاعف دریغ نمیکند.

بعد از قطع رابطه "حزب" با (کمیته وحدت...) این "حزب" که برای مدت دو سال تمام درگیر تشنجات و بحران حاد ایدیولوژیک سیاسی گردیده بود قادر نشد ازین بحران موفقانه بدر آید، و به همین علت بود که بحران حاد درونی خود را از جنبش کمونستی کشور تا حال پنهان نگهداشته است. چنانچه خود حزب از صدمات ناشی ازین بحران چنین معترف است "یکی از صدمات وارده بر حزب ما باز ماندن ارگان مرکزی حزب (شعله جاوید) در طی دو سال گذشته از انتشار بود (صفحه دوم شماره بیست و دوم "شعله جاوید")... حزب صرفاً یکی ازین صدمات که باز ماندن "شعله جاوید" در مدت دو سال از انتشار بود در جنبش یاد آور شده، ولی سایر صدمات ناشی از انحراف

ایدیولوژیک که حزب را متلاشی ساخته و نتوانسته خود را دوباره جمع و جور کند، از جنبش کمونستی کشور پنهان نگهداشته است؛ بخاطر یکه نتوانسته بود جلو این صدمات ایدیولوژیک سیاسی بر حزب را میگرفت. بعد از همین ناتوانی هایش بود که (کمیته ریم) به جنبش کمونستی کشور ما رجوع کرد تا حزب متلاشی و منحل شده را در پروسه وحدت که (کمیته وحدت...) آغاز کرده بود شریک سازد. (کمیته وحدت...) حین صحبت ها یکه درین رابطه با نماینده کمیته ریم داشت بارها تأکید به عمل آورد که اگر وحدت با "حزب" مطرح باشد، نمیتواند بدون طی پروسه (وحدت، مبارزه، وحدت) بر محور برنامه مشترک نوین وحدت اصولی و دیالکتیکی ممکن گردد. چونکه قطع رابط حزب با (کمیته وحدت...) اختلافات بینی را در گذشته به انتاگونیسیم کشانده بود بنا بجز توافقات هر دو جانب برای آغاز و ادامه پروسه نوین مبارزاتی وحدت جنبش کمونستی برای ایجاد کمونست واقعی که (کمیته وحدت...) انرا پیشنهاد نموده مشکل بود به این انتا گونیسیم برخورد سالم صورت میگرفت. ولی چندی بعد به اثر تقاضای نماینده کمیته ریم یک فردی بحیث نماینده "حزب خواست با (کمیته وحدت...) مجدداً تماس برقرار سازد؛ و همان بود که (کمیته وحدت...) دو نفر نماینده گان خود را درین رابطه تعارفی قرار داد که این اولین ارتباط گیری بین هم دیگر بعد از مدت هشت سال تمام قطع رابطه بود، نه به منظور امضای توافق نامه و اعلامیه وحدت. چرا که

دو نفر نماینده هم چو طرح تشکیلاتی خویش را با خود نداشتند که نمیتوانستند به امضای هم چو توافقات و اعلامیه های انفرادی و مجرد که خلاف اصل سا نترالیسم دیموکراتیک تشکیلات است دست بزنند. ولی به تأسف که نماینده "حزب کمونیست" در اولین باز دیدش با دو نفر نماینده کمیته وحدت نقشه وحدت میکانیکی خود را باز برپا کردن اصل وحدت دیالکتیکی (وحدت، مبارزه، وحدت) که صرفا بوحدت تکیه داشت تا مبارزه بر نماینده گان (کمیته وحدت ...) قبولاند و خواست سایر جناح های شامل پروسه قبلی وحدت را بدور برنامه ناقص که عامل اصلی متلاشی شدن حزب محسوب میشد جمع و بطور میکانیکی به آن پیوند دهند، تا بتواند بدین وسیله پروسه وحدت جنبش کمونستی کشور را که (کمیته وحدت...) برای ایجاد حزب کمونست واقعی آغاز کرده بود از سطح جنبش بدرون حزب بکشاند. "حزب" کوشید از طریق طرح میکانیکی و میتا فزیکی خود، پروسه وحدت اصولی جنبش کمونستی کشور برای ایجاد حزب کمونست واقعی را ضربه زده و با کشاندن آن بدرون حزب منحل شده، عمل توطئه امیز و انحلال گرانه خود را در جنبش پیاده کند.

تاسف به حال دو نفر نماینده (کمیته وحدت...) که صرفا برای ارتباط گیری توظیف شده بودند ولی در اولین روز دیدار اش با نماینده "حزب" همان طرح میکانیکی و میتا فزیکی نماینده "حزب" را که در فوق ازان تذکر بعمل امد پذیرا میشوند و اصل سا نترالیسم دیموکراتیک تشکیلات را به شیوه سکتاریستی و انفراد منشی هر چی پیشتر نقض مینمایند؛ نماینده گان بدون گذارش به مرجع تشکیلاتی اش، خود سرانه با نماینده "حزب"، "کمیته مشترک" نام نهاد را ایجاد، توافق نامه و اعلامیه خود ساخت و خود پرداخت را به امضا میرسانند. این عمل خود کامگی نماینده گان کمیته مشترک نام نهاد که سدر راه پروسه ایجاد حزب کمونست واقعی (م.ل.م) افغانستان میگردید در حقیقت یک عمل انحلال گرانه بود که در پیش پای وحدت جنبش کمونستی قرار داشت.

نمانیده گان "کمیته مشترک" وقتیکه، توافق نامه ها و اعلامیه های را که در پای آن امضا کرده بودند بصورت غیر مترقبه در (کمیته وحدت...) مطرح نمودند، چون این گذارش از یک طرف خلاف انتظار در تخالف به شیوه کار جریان پروسه وحدت جنبش کمونستی کشور برای ایجاد حزب کمونست واقعی افغانستان را اندازی شده بود قرارداد داشت و از جهت دیگر متن توافقنامه و اعلامیه ها اصل دیالکتیکی (وحدت، مبارزه، وحدت) را صریحا نقض میکرد و طرح وحدت مکانیکی و میتا فزیکی نماینده "حزب" را به نمایش می گذاشت بنا ذریعه اعلامیه جداگانه (تقدی بر شیوه کار پروسه وحدت...) از جانب (کمیته وحدت...) به تقد کشیده شد. "حزب" به عوض اینکه به تقد شیوه کار پروسه وحدت، برخورد اصولی مبارزاتی را در پیش میگرفت، انیا با اتهام زنی های بی پایه و عاری از حقیقت با (کمیته وحدت...) قطع رابط نمود و صرفا با جذب دو نفر نماینده (کمیته وحدت...) که قبلا با آن ها بصورت مستقلانه سازش کرده بودند به عقب یازید.

دو نفر نماینده (کمیته وحدت...) که بطور منفردانه و دزدانه به "حزب" پیوستند، دیگر دو فرد مجرد بودند و به هیچ تشکیلی ربطی نداشتند؛ چونکه با سر کشی آن ها از طرح (کمیته وحدت...) در نتیجه تصاریب جلسه کمیته مرکزی عضویت آن ها از "کمیته مشترک" نام نهاد ذریعه اعلامیه تاریخی ۲۹ دلو ۱۳۸۱ منتهی و از (کمیته وحدت...) نیز اخراج گردیده بودند. از اینکه "حزب" آنان را بنام "سازمان پیکار..." قلم داد نموده دروغ محض و خلاف واقعیت عینی بود؛ بخاطر یک (سازمان پیکار...)، مبارزین راه آزادی کارگران افغانستان و محفل جوانان مترقی در سال ۱۳۴۳ بر محور بر نامه واحد و مشترک اید یولوژیک سیاسی و ادغام تشکیلاتی وحدت خود را به پایان رسانده و تشکیل واحد (کمیته وحدت جنبش کمونستی (م.ل.م) افغانستان را ایجاد و پروسه وحدت جنبش را برای تشکیل حزب کمونست واقعی به پیش میبرد. پس (کمیته وحدت...) یک تشکیل واحد کمونستی بودند که کدام جنبه که سازمان ها با حفظ ایدیولوژی و سیاست مستقل در آن وجود میداشتند؛ و هر زمان که دل شان میخواست از آن بیرون میشدند. بدین لحاظ این دو فرد اخراج شده از (کمیته وحدت...) و فاقد هر نوع صلاحیت ایدیولوژیک سیاسی و تشکیلاتی (م.ل.م) کمیته وحدت به منظور برآورده ساختن مقاصد عظمت طلبانه سکتاریستی خود یکبار دیگر از نام سازمان پیکار... برای پوشش چهره های رسوای خود استفاده نموده و از واقعیت های عینی جنبش کمونستی کشور چشم پوشی کردند. همچنان فردی بنام نماینده "اتحاد انقلابی کارگران" که بنا بر داشتن نظرات دکما رویونیستی در اسناد انتشار یافته ای شان، یعنی که جنگ رها بیخش خودی مردم کشور علیه تجاوز سوسیال امپریالیسم روس را جنگ امپریالیستی میخواند و از شرکت در این جنگ ابا می ورزید نیز به حزب پیوست که با داشتن همچو نظرات رویونیستی، وی نیز به جنبش کمونستی

کشور هیچ پیوندی نداشت. پس حزبی که دیگر به انحلال گراییده بود و نماینده آن میخواست تا با سرهم بندی کنگره نام نهاد حزب خود را دوباره به تنهایی سر و سامان دهد و آنرا "کنگره وحدت جنبش کمونستی در یک حزب واحد" نام گذاری نماید کاملاً خلاف واقعیت های عینی وحدت جنبش کمونستی کشور میباشد و جنبش کمونستی کشور این وحدت میکانیکی را مردود اعلام میدارد. این کنگره در حقیقت کنگره دوم حزب بود، که نام و شکل نمیتواند اصل ماهیت مسئله را تغییر دهد، یعنی کنگره دوم حزب را در انظار جنبش کمونستی کشور پنهان نمایند چون که حزب حتی نتوانست وحدت درونی خود را در این کنگره تامین بدارد.

یک بار دیگر ناگزیریم یاد آور شویم، وقتیکه (کمیته وحدت...) شیوه کار پروسه وحدت میکانیکی "حزب" را به تقدیمکشد، نماینده حزب که خود را در کمیته مشترک نام نهاد جا بجا نموده بود به بسیار عجله و احساساتی موضع خصمانه و اتهام زنی های بی پایه و دور از حقیقت را نسبت به (کمیته وحدت...) پیشه خود میسازد. چنانچه طرح اصولی و دیالکتیکی پروسه وحدت جنبش کمونستی پیشنهادی (کمیته وحدت...) را در یکی از نوشته های خود "تقض وحدت..." دو پروسه ی و دو برنامه ی میخواند؛ که این دیدگاه صریحاً در تقابل به یگانگی قانون اساسی دیالکتیک (وحدت اضداد) قرار میگردد. چونکه وی هنوز نتوانسته بود میان پروسه تکاملی و مراحل تکاملی یک پدیده فرق قایل شود؛ چنانچه پروسه وحدت کل جنبش کمونستی کشور یعنی وحدت تمام سازمان ها و افراد کمونست به شمول "حزب" شامل پروسه وحدت جنبش کمونستی برای ایجاد حزب کمونست واقعی نوین میشوند. ولی وحدت درونی خود "حزب کمونست موجود" که به انحلال گراییده و حزب کمونست واقعی به حساب نمی آید، مانند وحدت درونی هر یکی از سازمان ها و گروه های دیگر جنبش یکی از مراحل تکاملی، پروسه تکامل و وحدت کل جنبش به حساب میاید؛ که این شیوه بر خورد غیر دیالکتیکی به طرح انحرافی پنج تضاد اساسی مرام نامه حزب گره میخورد.

رفیق ماوتسه دون در این باره چنین میگوید: تضاد اساسی پروسه تکامل یک شی یا پدیده و ماهیت پروسه یکه به وسیله این تضاد اساسی معین میشود، تا زمانی که پروسه پایان نیافته، ناپدید نمیگردد. مع الوصف در هر مرحله از این پروسه طولانی تکامل وضع معمولاً متفاوت است. زیرا با این که خصلت تضاد اساسی پروسه تکامل یک شی یا پدیده و ماهیت پروسه تغییر نمی کند، تضاد اساسی در هر مرحله تکاملی این پروسه طولانی به تدریج اشکال حا دتری بخود میگردد. به علاوه از میان تضاد های بزرگ و کوچک متعدد که به وسیله تضاد اساسی تعیین میشوند و یا تحت تاثیر آن قرار میگیرند بعضی ها وحدت میبند و برخی به طور موقتی و جزئی حل و یا از وحدت شان کاسته میشود و پاره دیگر نیز پدید میآیند. از اینجا است که مراحل مختلف پروسه نمایان میشوند. چنانچه انسان به مراحل مختلف پروسه تکامل اشیا و پدیده ها، توجه نکند نمیتواند تضاد های ذاتی اشیا و پدیده ها را بطور مناسب حل نماید. (جلد اول صفحه ۴۹۳ منتخب آثار).

علاوًتا، نویسنده (تقض وحدت...) یعنی نماینده "حزب کمونیست موجود"، (کمیته وحدت...) را به طرح دو برنامه قهم میسازد. حالانکه (کمیته وحدت...) خواهان طرح و تدوین بر نامه مشترک واحد نوین از طرف "کمیته مشترک" برای وحدت جنبش کمونستی (م.ل.م) افغانستان برای ایجاد حزب کمونست واقعی (م.ل.م) شده بود. پس فهمیده نشد که نماینده "حزب" این اتهام دو برنامه می را از کدام ذهن بیرون آورده که گفته است:

"کمیته وحدت طرح دو برنامه را پیشنهاد کرده است" ۱۹...

محوری بودن برنامه ناقص رویونیستی حزب به صراحت کامل از طرف حزب کمونست موجود طوری به میان گذاشته شده بود که گویا حزب مرام نامه خود را شکلا و کمیتاً در درون اصلاح و بعداً به دست رس نماینده گان کمیته وحدت... قرار میدهد، و (کمیته وحدت) آن را پذیرفته و در کنگره دوم به حزب کمونست می پیوندد چنانچه این مسئله در ورقه "اصلاح مرام نامه حزب کمونست افغانستان" و "توافق نامه ها" به صراحت کامل توضیح شده بود. چنانچه در پراگراف اول "اصلاح مرام نامه حزب کمونست افغانستان" که از طرف حزب به نشر سپرده شده بود چنین آمده است "ضرورت باز نویسی مرام نامه حزب مورد تایید قرار گرفت که این باز نویسی باید به صورت یک کار زار و وسیع در سطح کل حزب پیش برده شود، و بر علاوه بخش های دیگر جنبش افغانستان نیز باید در آن دخالت داده شوند. در واقع باز نویسی مرام نامه وهم چنان اساسنامه حزب یکی از کار های مهم تدارک برای تشکیل کنگره دوم حزب محسوب

میشوند و باید به عنوان یک کار محوری در نظر گرفته شود. و هم چنان در ماده هفتم توافق نامه ۲۹ عقرب ۱۳۸۰ که میان نماینده گان کمیته وحدت... و حزب مطرح شده چنین ذکر به عمل آمده بود "مرام نامه و اساسنامه فعلی حزب کمونست به مثابه دو سند محوری در بحث و مبارزه برای دست رسی به بر نامه و اساسنامه مشترک حزبی در نظر گرفته میشود. متن پیشنهادات اصلاحی و تعدیلی در مورد این دو سند که قبلا بصورت درونی در حزب کمونست افغانستان مورد بحث قرار گرفته است هر چه زود تر در اختیار کمیته وحدت جنبش کمونستی (م.ل.م) قرار داده میشود. کمیته وحدت جنبش کمونستی (م.ل.م) افغانستان پس از مطالعه و بررسی این پیشنهادات اصلاحی و تعدیلی و توافق روی یک متن واحد در این مورد مرام نامه و اساسنامه حزب کمونست باز نویسی میگردد." این متون به صراحت نشان میداد که حزب میخواست برنامه و اساسنامه اصلاح شده درون حزب خود را بدسترس کمیته وحدت... و سایر جناح های جنبش بگذارد، و آنها را بدون طی پروسه (وحدت، مبارزه، وحدت) با پذیرش متن اصلاح شده مرام نامه در کنگره دوم به حزب کمونست پیوند دهد. در نتیجه (کمیته وحدت...) این طرح میکانیکی وحدت حزب را نه پذیرفته و خواهان پروسه (وحدت، مبارزه، وحدت) شده و طی نوشته (نظر انتقادی بر شیوه کار پروسه وحدت...) طرح میکانیکی حزب را به نقد کشید. قابل یاد هانی است که قبل از به تقد کشیدن شیوه کار پروسه وحدت را که حزب کمونست براه انداخته بود از جانب نماینده گان کمیته وحدت... مسایل عدم پذیرش محوری بودن بر نامه رویزیونستی حزب و در عوض ان توافق برسر تامين و وحدت جنبش از طریق پروسه (وحدت، مبارزه، وحدت) بخاطر دست رسی به طرح بر نامه مشترک نوین برای ایجاد حزب کمونست واقعی، در کنفرانس منظوقی برج جوزای سال ۱۳۸۱ به حضور نماینده گان کمیته ریم، حزب کمونست ایران و "حزب کمونست افغانستان" به صراحت کامل مطرح گردیده ولی آنان در برابر طرح میکانیکی حزب کمونست افغانستان خاموشی اختیار کرده و این خاموشی برای مدت سه ساعت جلسه را به تعویق انداخت مگر هیچ توجهی بر این مسله مبذول نگرید. بعد از ان که طرح پروسه وحدت میکانیکی حزب تقد میشود و ذریعه اعلامیه های جدا گانه اتهام زنی های بی پایه و دگماتستی "حزب کمونست" رد میگردد بعد از گذشت یکسال به طور ناگهانی نماینده کمیته ریم با نماینده ای "حزب" یکجا با نماینده گان (کمیته وحدت...) رابطه مجدد برقرار می کنند و خواهان یک سلسله معلومات های در مورد چگونگی اوضاح تشکیلاتی این کمیته میشوند. گر چه این رابطه بعد از وقت بود مگر باز هم (کمیته وحدت) تمام اسناد دست داشته مربوط به این موضوع را که به آگاهی جنبش رسانده بود به دسترین این نماینده گان کمیته ریم و "حزب کمونست" نیز قرار داد. مدت زیادی سپری شد ولی تا حال نماینده کمیته ریم بر این مسله هیچ بر خورد نکرد که عدم توجهی نماینده کمیته ریم یک مسله سوال برانگیز نزد (کمیته وحدت) باقی مانده است. بخاطریکه کمیته ریم یگانه مرجع جنبش کمونستی (م.ل.م) انترناسیو نالیستی است، که مسولیت سنگین جنبش جهانی پرولتاریا را به عهده دارد.

(کمیته وحدت) در شرایط دشواری که امپریالیسم جهان خوار تجت رهبری امپریالیسم اشغالگر امریکا بر کشور ما تجاوز کرده و بر مردم ستم دیده ما بیداد میکنند سخت معتقد و متعهد به وحدت جنبش کمونستی کشور بخاطر ایجاد حزب کمونست واقعی است. بنا به منظور برآورده ساختن این هدف والای رهبری کننده انقلاب دیموکراسی نوین کشور به کار خسته نا پذیر خود ادامه داد کمیته... در ادامه کار خود مرام نامه حزب کمونست واقعی افغانستان را در هفت بخش و اساسنامه در یک بخش تسویدو جهت تکامل بیشتر ان به معرض نظر خواهی تمام اعضای صفوف (کمیته وحدت) و سایر سازمان ها و گروه های افراد کمونست جنبش کمونستی داخل و خارج کشور که به ایدیولوژی علمی پرولتاریا (م.ل.م) معتقد اند قرار داد تا با ارایه نظرات انتقادی شان مرام نامه و اساسنامه در کنگره موسس حزب کمونست واقعی سنتیز گردد. علاوه بر تسویدو ارایه مرامنامه و اساسنامه حزب کمونیست واقعی درین مدت دوسال در جهت افشاگری های سیاسی اعمال اشغالگرانه امپریالیستی جنایت پیشه جهانی تحت رهبری امپریالیسم امریکا و دولت مزدور فیودال کمپرادور و آن اعلامیه های اتی به منظور آگاهی بپیش از پیش انقلابیون کمونیست و خلق های ستم دیده کشور رسانده شد است:

۱) اوضاع کشور در متن اوضاع جهانی و و طایف ما

۲) توهم را بزدایید، نفرت و انزجار مردم علیه تجاوز امپریالیسم اشغالگر امریکا و متحدین ان بر انگیزید

۳) تکریر آتش سوزی و خون ریزی در عراق

۴ (نقش بازی گران، "دموکراسی" در صحنه تمثیل "لویه جرگه" تصویب "قانون اساسی")

۵ (مردم زحمت کش و ستم دیده کشور، انتخابات کاذب و توطئه گرانه امپریالیسم اشغالگر امریکا و متحدین اش را در کشور تحریم نمایید)
۶ (نگرشی بر یک سلسله دسایس و توطئه های اغوا گرانه امپریالیسم امریکا و متحدینش در کشور ما)

حالا کمیته وحدت جنبش کمونستی (م.ل.م) افغانستان تسوید مرامنامه و اساسنامه ایجاد حزب واقعی کشور را در مدت دو سال و نیم به پایان رساند و بخش و اردسترس اعضای صفوف (کمیته وحدت) و سایر سازمان ها گروه ها و افراد ماویست داخل و خارج کشور قرار داده است. چنانچه درین اواخر برنامه و اساسنامه در جر و بحث های شدید ایدیولوژیک سیاسی برای وحدت عمل و نظر جنبش (م.ل.م) افغانستان به منظور ایجاد حزب کمونست واقعی افغانستان علاوه بر اعضای کمیته وحدت سایر سازمان های جنبش کمونستی کشور مقیم در اروپا از قبیل اعضای (کمیته وحدت...) مقیم در هالند و (کمیته مبارزه برای وحدت جنبش کمونستی (م.ل.م) افغانستان) که از نماینده جناح سازمان پیکار (اصولیت انقلابی پرولتری)، (ب) و (ف.س) اشخاص مستقل در جنبش کمونستی مقیم هالند مورد ارزیابی قرار گرفت و در توافق با (کمیته وحدت...) تصمیم اتخاذ گردید تا منظور تکامل و انسجام بیشتر برنامه و اساسنامه، کنگره موسس برای مدتی به تعویق افتد.

ما با اعتقاد راسخ به ایدیولوژی علمی پرولتاریا (م.ل.م) متعهد هستیم تا درین شرایط دشوار و راه های پرپیچ و خم که امپریالیسم جهانی تحت رهبری امپریالیسم جنایت پیشه و جهانخوار امریکا بر کشور تجاوز نموده و بیداد میکند در زودترین فرصت کنگره موسس را دایر و حزب کمونست واقعی رهبری کننده انقلاب را ایجاد نمایم. و با برپایی جنگ خلق در کارزار سرخ نبرد پرولتاریا و متحدینش این دشمنان سوگند خورده خلق های ستم کش را سرنگون و انقلاب دیموکراسی نوین برای نیل به سوسیالیسم و کمونیسم جهانی را به پیروزی رسانیم.

کمیته وحدت جنبش کمونستی (م.ل.م) افغانستان

۱۳ جولای ۲۰۰۵ مطابق ۲۲ سرطان ۱۳۸۳